

رهیافت‌های تلفیقی در طراحی رشته اقتصاد اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۱/۷ تاریخ تأیید: ۱۳۸۷/۵/۱

عادل پیغامی*

۱۷۱

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / سال هشتم / شماره ۳۲ / زمستان ۱۳۸۷

چکیده

فلسفه آموزش و رویکردهای برنامه‌ریزی درسی در گذشته فقط به انتقال مجموعه‌ای از دانش سازمان یافته یا پدید ساختن و ارتقای نظام ارزشی حاکم بر رفتارهای فرد و جامعه محدود می‌شد. به صورتی که طی چندین قرن اغلب رشته‌های علمی از جمله اقتصاد، برنامه‌های درسی تخصصی و تک رشته‌ای، قابل مطالعه بود. اما امروزه روش‌های جدیدی مورد استفاده قرار گرفته که در آنها، نیازهای دنیای جدید در فراسوی ساختار یک‌سویه‌نگر رشته‌های تخصصی جست‌وجو شده و جزئی‌نگری و تقسیم علوم رایج دهه‌های اخیر، مورد نقد واقع می‌شود. این جریان که در حوزه طراحی برنامه‌های درسی، در رویکردهای به اصلاح غیررشته‌ای یا تلفیقی تجلی یافته‌اند را می‌توان در انواع رویکرد درون رشته‌ای موازی، رویکرد میان رشته‌ای، رویکرد چندرشته‌ای، رویکرد چندرشته‌ای متقاطع، رویکرد چندرشته‌ای متکثر و رویکرد فرارشته‌ای (در سه نوع افقی، قائم و مورب) گونه‌شناسی کرد.

حال با توجه به این که دانش اقتصاد اسلامی، دانشی تلفیقی از دو حوزه معرفتی علوم اقتصادی و علوم اسلامی است؛ طراحی‌های آموزشی و برنامه‌های درسی این رشته نمی‌تواند

* عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد. Email: paighmi@isu.ac.ir.

فارغ از ادبیات پیش گفته باشد و بی‌اشک بهره‌مندی از ظرفیت‌ها و یافته‌های علمی و تجربه‌های آموزشی این رویکردها، می‌تواند سرعت تحول و نوآوری در برنامه‌های آموزشی و سرمایه‌های انسانی آن را مضاعف کرده و توانمندی و کارآمدی این دانش را در مقابله با مسایل ارتقا دهد.

در مقاله حاضر، در پی آن هستیم تا ضمن معرفی این رهیافت‌ها، با طراحی نمونه‌هایی، امکان عملی استفاده از رهیافت‌های تلفیقی در برنامه‌های درسی و گرایش‌های مقاطع تکمیلی رشته اقتصاد اسلامی را نشان دهیم.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، برنامه‌ریزی درسی، برنامه درسی تلفیقی، رویکردهای غیررشته‌ای.

طبقه‌بندی JEL: A12، A22، A23، Z12.

مقدمه

فلسفه آموزش در گذشته فقط به انتقال مجموعه‌ای از یک دانش سازمان‌یافته یا پدیدساختن و ارتقای نظام ارزشی حاکم بر رفتارهای فرد و جامعه محدود می‌شد که این مهم در چارچوب و برنامه‌ای برآمده از یک نظام رشته‌ای با ساختاری مشخص و زنجیره‌ای نهادینه از مفهومی‌ها، روش‌ها و گام‌های آموزشی، عملی می‌شد.

اما امروزه فلسفه آموزش به بیش از آنچه در گذشته بود توسعه یافته است و رویکردهای جدیدی مورد استفاده قرار گرفته که در آنها اهمیت اصلی به شخص انسان و مسایل برآمده از شأن‌های فردی و اجتماعی آن، داده می‌شود نه به راهی که وی طی می‌کند. در این برنامه‌ها، واقعیت‌ها و نیازهای دنیای جدید در فراسوی ساختار یک‌سویه‌نگر رشته‌های تخصصی جست‌وجو شده و جزئی‌نگری و محدودیت‌های تخصصی شدن و تقسیم علوم مورد نقد واقع می‌شود.

از سوی دیگر، دغدغه‌های معرفتی حاکم بر فضای علمی کشور، درباره پیوند واقعی حوزه و دانشگاه و مسئله اسلامی شدن علوم انسانی و همچنین تربیت دانش‌آموختگان متعهد و آشنا به مسایل ارزشی و بومی در کشور، توجه روز افزونی را درباره برنامه‌های آموزشی و پژوهشی تلفیقی با معارف ناب اسلام و مسئله‌های بومی کشور را می‌طلبد. در این جهت به نظر می‌رسد آشنایی با نظریه‌های برنامه‌ریزی درسی و به‌ویژه رویکردهای

تلفیقی و چرایی آنها برای مدیران آموزشی و برنامه‌ریزان درسی به‌ویژه در دانشکده‌ها و مؤسسه‌هایی که در پی دستیابی تولید علم و نهضت نرم‌افزاری در راستای خلق دانش‌های بومی و اسلامی و دستیابی به مرزهای جدید و خلق بایسته‌های خاص در عرصه علوم به‌ویژه علوم انسانی هستند؛ لازم و ضرور است که الحمدلله در سال‌های اخیر و در قالب برنامه‌های آموزشی و پژوهشی تلفیقی و غیررشته‌ای با عنوان کلی «رویکردهای میان رشته‌ای» بیشتر مورد توجه و تاکید دست‌اندرکاران امر قرار گرفته است.

شایان ذکر است در ادبیات نوپای برنامه درسی تلفیقی که در ایران وجود دارد، به‌طور عمده اصطلاح «میان‌رشته‌ای» معادل همه رویکردهای غیررشته‌ای و تلفیقی به‌کار می‌رود که چندان مقرون به دقت و صحت نیست و در ادامه این نوشته خواهیم دید که رویکردهای میان‌رشته‌ای یکی از حالت‌های متصور برای برنامه‌نویسی تلفیقی است.

در نوشتار حاضر به اختصار و ایجاز تمام، به معرفی اجمالی رویکردهای تلفیقی پرداخته و با طراحی نمونه‌هایی کاربردی، امکان و دلالت‌های عملی استفاده از رهیافت‌های تلفیقی را در طراحی برنامه‌های درسی و گرایش‌های مقاطع تکمیلی رشته اقتصاد اسلامی نشان می‌دهیم. همچنین حسب توجه به مقوله برنامه‌ریزی درسی تلفیقی در ادبیات اقتصاددانان مسلمان داخل و خارج کشور، حسب توجه به کاربرد این رویکردها در حوزه برنامه‌های اقتصاد در ادبیات متخصصان برنامه‌ریزی درسی داخل و حسب طراحی و پیشنهاد برنامه‌های درسی اقتصاد اسلامی در بین متخصصان برنامه‌ریزی درسی و آموزش اقتصاد در دنیا، حسب اطلاع نگارنده فاقد پیشینه و سابقه تحقیق است.

چرایی رویکرد تلفیق

عامل‌ها و بستر موثر در ظهور رویکردهای تلفیقی و عنایت به نظام‌های غیررشته‌ای را می‌توان در موردهای ذیل خلاصه کرد:

أ. انسان و پدیده‌های انسانی ذاتاً واجد پیچیدگی، صورت‌های متعدد و گوناگون هستند. این تکثر و پیچیدگی و بُعدهای گوناگون آن، به همراه تعدد و تکثر رهیافت‌ها، روش‌ها و بُعدهایی که می‌توان آنها را در بررسی از واقعیت‌های فیزیکی یا انسانی مورد توجه قرار

داد. از سوی دیگر، لازمه منطقی رشد و پیشرفت در علوم که به انقسام موضوعی و روشی در علوم انجامیده، باعث می‌شود که دانش سازمان‌یافته (دیسپلین)* و مرزبندی شده یا علوم متعارف نتوانند به خوبی بر بُعدهای گوناگون واقعیت، منطبق شده و الگو و آئینه‌ای گویا و شناسنده از آن باشند. بنابراین برنامه‌ریزان و طراحان آموزشی با تفتن بر این موضوع به تلفیق رشته‌ها و معارف بشری دست می‌زنند تا در عرصه علم و فناوری یافته‌های جدیدی را کسب کرده و به یک‌سری مسایل جدید، و چندوجهی، پاسخ‌های درخور یابند؛

ب. رشد بیش از حد و روزافزون مرزها در علوم باعث تبعاتی شده که نیاز محیط‌های علمی و نهادهای دانشگاهی به برنامه‌های غیررشته‌ای را توجیه و تثبیت کرده است. این تبعات عبارت هستند از:

۱. دگماتیسم و فانتسیسم (Fanaticism) که به تبع تخصصی شدن در عرصه علوم پیدا شده است (Feiner, 2002)؛
۲. جزئی‌نگری، غیرواقع‌نگری و یکسویه‌نگری ناشی از تقطیع علم؛
۳. حاکمیت روش‌ها، مبادی انتزاعی و تجریدی فارغ یا حتی مغایر با واقعیت به‌ویژه ناشی از تحویل‌گرایی (Reductionism) مفرط موجود در پوزیتیویزم؛
۴. فقدان هرگونه تعامل، تاثیر و تاثر مثبت میان رشته‌ها و حاکمیت نوعی بی‌اطلاعی و بی‌فایده‌گی هر یک از رشته‌ها نسبت به دیگر رشته‌ها؛
۵. عدم اطلاع و استفاده از موهبت‌های مربوط به جامعیت و سازگاری درونی علم و نادیده انگاشتن دیدگاه کل‌گرایانه و مسئله وحدت ذاتی علوم؛
۶. ضرورت افزایش کارآمدی علوم و دستیابی به هدف‌های چندوجهی و متکثر؛
۷. فقدان شرایط و مقدمه‌های لازم برای انتقال علوم فراگرفته شده به موقعیت‌ها و نظام‌های گوناگون (Kockelmans, 1998).

ج. نیاز بشریت امروز به تولید علوم مطلوب و عاری از مصیبت‌ها و مشکل‌های جریان‌های دگم مدرنیته. جریان‌های موجود در این عرصه را می‌توان در سه دسته

* هر چند واژه دیسپلین، به مفهوم لغوی آن به «رشته» ترجمه شده است، اما به مفهوم اصطلاحی آن، معنای دانش سازمان‌یافته را داشته که در آن تاکید نه بر روش‌شناسی آن بلکه ساختار و چارچوب‌های مفهومی و نظری آن است. بنابراین در نوشتار حاضر در پاره‌ای موارد از ترجمه آن، احتراز کردم.

جریان‌های مسیحی، جریان‌های پست مدرن و جریان‌های اسلامی که در پی تعریف و تبیین علوم اسلامی نوین هستند؛ خلاصه کرد؛

د. دریافت این حقیقت که نظام‌های محتوایی رشته‌ها در حقیقت و ابتدا نوعی طبقه‌بندی عملی برای دانش و موضوع‌های تحقیقی - پژوهشی وابسته به آن رشته شمرده می‌شد و به الزام به معنای مبنایی برای سازماندهی آموزشی نمی‌تواند مفید و ضرور واقع شود. در مجموع، رویکردهای تلفیقی در پی این هستند که با ارایه سازماندهی خاصی از آموزش، فرصت‌هایی را برای دانش‌آموختگان فراهم سازند تا با اصول، مبادی، روش‌ها و موضوع‌های متنوع در قلمروهای متعدد آشنا شوند. البته این به معنای نفی محاسن و فایده‌های نظام‌های رشته‌ای نیست.

رویکرد رشته‌ای به علت برخورداری از آگاهی سازمان‌یافته از موضوع مورد بحث آن رشته، از راه مفهوم‌ها و الگوهای مطرح در رشته، و رشد تدریجی و انباشتی آموزش و فرایند یادگیری و یاددهی منطبق بر یک راه تعریف شده، اثر اطمینان‌بخشی بر دانش‌آموخته دارد. رویکرد رشته‌ای، دانش‌آموخته و یاددهنده را به‌طور مستقیم با ساختاری منطقی روبه‌رو می‌کند که خودبه‌خود توالی زنجیره مفهوم‌ها، پیش‌نیازهای موضوعی و روشی خاص را رعایت کرده و از راه مفهوم‌ها و الگوها، ساختارهای حقیقت را آشکار می‌کند (Smith, 2003). این خود امتیازی قابل توجه است که نباید در رویکردهای تلفیقی رقیب مورد غفلت واقع شود. در حقیقت ساختار منطقی علم بی‌فایده نیست. بلکه بحث در شیوه استفاده از آن در فرایندهای آموزشی و سرانجام مهارت‌های به‌دست آمده برای دانش‌آموخته است. بنابراین، «ساختار منطقی یک علم» و «سازماندهی مهارت‌ها» دو متغیری هستند که در یک برنامه درسی خوب همزمان باید مورد عنایت باشند و ترکیب بهینه‌ای از آنها مورد استفاده برنامه‌ریز واقع شود.

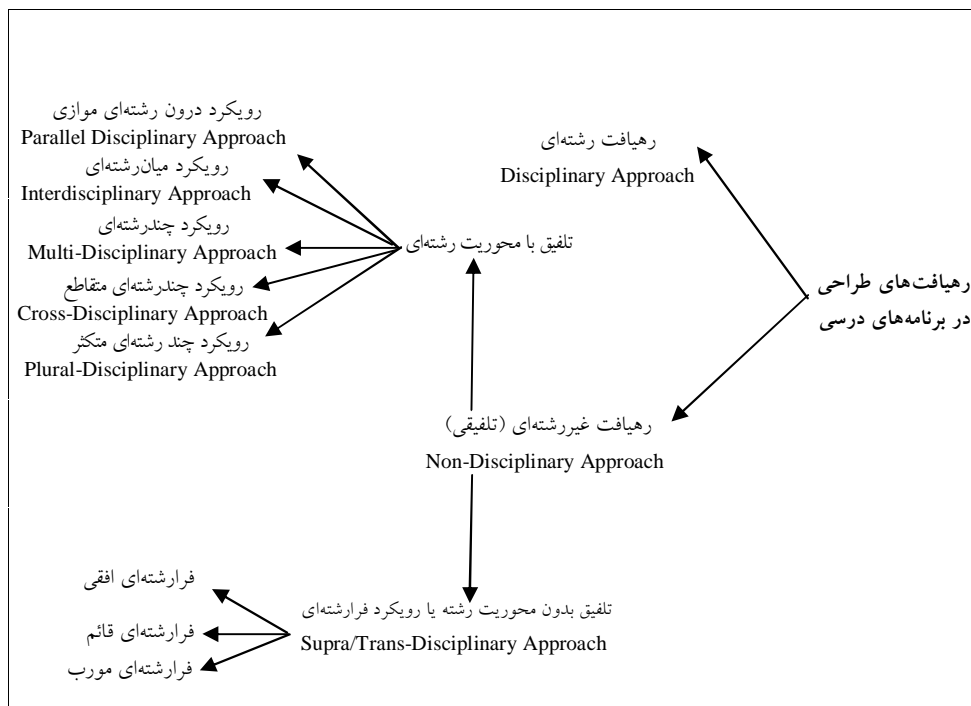
آنچه درباره چرایی کاربرد و استفاده از برنامه‌ریزی‌های تلفیقی گفته شد و دلایل پیش‌گفته و موجه در آن، به علت ترابط و تعامل فراوان حوزه‌های علوم اجتماعی با یکدیگر در برنامه‌های درسی آن رشته‌ها و به‌ویژه رشته اقتصاد، پررنگتر نیز است (Weber, 1978).

انواع رویکردهای تلفیق

به طور کلی و براساس نمودار شماره یک، رهیافت‌های موجود در طراحی برنامه‌های درسی به حصر عقلی در دو دسته رهیافت‌های رشته‌ای (Disciplinary Approach) و رهیافت‌های غیررشته‌ای (Non-Disciplinary Approach) تقسیم‌بندی می‌شوند. رهیافت‌های غیررشته‌ای نیز خود به دو دسته رویکردهای تلفیقی با محوریت رشته و رویکرد تلفیقی بدون محوریت رشته دسته‌بندی می‌شوند.

اساس کار رهیافت‌های تلفیقی با محوریت رشته در جدول (۱) و رهیافت فرارشته‌ای که خود به سه حالت دیگر تقسیم می‌شود؛ براساس جدول (۲) تعریف و سازماندهی می‌شود.

نمودار (۱): (قورچیان، ۱۳۷۴)



در جدول (۱)، همان‌طور که مشاهده می‌شود ساختار منطقی چند حوزه علمی، از مفهومی‌ها و مبانی عام تا مفهومی‌های خاص مورد نظر بوده است و ترکیب‌ها و تلفیق‌های افقی، قائم و مورب در سطح‌های گوناگون می‌تواند حالت‌های گوناگون از برنامه‌های

درسی را پدید آورد. بدیهی است سیاست حاکم بر برنامه درسی و هدف‌های آموزشی مورد نظر در تعیین نوع رشته‌ها، مفهومی و سطح‌های آنها نقش مهمی را ایفا می‌کند. انتخاب مفهوم یا روشی خاص از یک حیطه علمی با عدد (۱) و عدم انتخاب آن در برنامه با عدد (۰) نشان داده شده است. البته در مقام برنامه‌ریزی و در شکل کامل‌تر این جدول می‌توان ابتدا درباره حیطه‌های آموزشی موجود در یک رشته نظر داد و سپس در هر حیطه نیز به انتخاب مفهومی یا روش‌ها پرداخت.

براساس این جدول و با توجه به نوع حرکت افقی، عمودی یا مورب در آن، رویکردهای پنجگانه‌ای خلق می‌شود که در ادامه به بررسی بیشتر آنها خواهیم پرداخت.

جدول (۱)

نظام‌های رشته‌ای								مفهوم‌ها و اصول
H	G	F	E	D	C	B	A	
۰	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	مفهوم‌های بسیار عام ۱ تا n
۰	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	روش‌های بسیار عام ۱ تا n
۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰	مفهوم‌های به نسبت عام ۱ تا n
		۰	۰	۱	۱	۰	۱	روش‌های به نسبت عام ۱ تا n
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	مفهوم خاص ۱ تا n
۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	روش خاص ۱ تا n

حال انواع روش‌های برنامه‌ریزی تلفیقی را به اختصار معرفی می‌کنیم:

برنامه‌ریزی تلفیقی درون‌رشته‌ای موازی

برنامه درسی «درون‌رشته‌ای موازی» (Parallel Intra-Disciplinarity) که از آن به «جمع جبری» رشته‌ها نیز یاد شده است، روشی است که در آن هر یک از رشته‌ها، مفهومی، ساختار، اصول، مبادی و روش‌های خود و همچنین ترتیب آرایه آنها را به‌طور کامل حفظ می‌کند و در عمل فقط شاهد اجرای متوازی دو یا چند رشته با برنامه‌های مجزا و البته منطبق بر نظم منطقی هر رشته، بر روی فردی واحد (در جایگاه یادگیرنده) هستیم.

البته در این رویکرد نیز مجموعه‌ای از برنامه‌ها را در طیفی حاکی از میزان تلاقی و تعامل نظام‌های رشته‌ای با هم شاهد هستیم. به‌طور مثال، در نوع ابتدایی

این روش هیچ‌گونه تلاقی و تعاملی به لحاظ موضوع، به لحاظ مبادی، مبانی یا روش بین دو حوزه معرفتی لحاظ نمی‌شود و فقط به ارایه دروس بسنده می‌شود. در نوع متعالی این رویکرد به تلاقی و تعاملی که موضوع‌ها، مبانی، مبادی یا رویکردها و روش‌های دو حوزه معرفتی با هم می‌توانند داشته باشند؛ توجه لازم صورت می‌گیرد و کوشیده می‌شود تا همگونی و سازگاری درونی برنامه و محتوای آموزشی به ضرورت رعایت شود.

نمونه‌ای از این نوع را می‌توان در ساختار کلی برنامه‌های آموزشی دانشگاه امام صادق علیه السلام* مشاهده کرد که حسب هدف‌های خاص آن دانشگاه در نظریه‌پردازی علوم انسانی مبتنی بر معارف و حیانی اسلام بین معارف اسلامی و رشته اقتصاد طراحی شده است. در برنامه‌های پیشنهادی جدید این دانشگاه در حوزه دروس عمومی و معارف اسلامی و همچنین رشته اقتصاد، می‌توان سطوح کامل‌تر و پیشرفته‌تری از این روش را مشاهده کرد. البته درباره برنامه‌های درسی رشته‌های دانشگاه امام صادق علیه السلام باید متذکر این مورد بود که هر چند رویکرد «درون‌رشته‌ای موازی» رویکردی ساده و به نسبت دیگر رویکردها ابتدایی و فاقد ویژگی‌های مهم تلفیقی است، اما در گام نخست، و مرحله‌ای که فاقد متن‌ها، درسنامه و محتوای آموزشی تلفیقی و همچنین استادان لازم جهت تدریس آن محتواها است، به‌ناچار از رویکرد موازی به‌صورت نخستین گام استفاده می‌کنند. شاهد این مدعا نمونه‌هایی است که در مراکز معتبر علمی دنیا در حال جریان است که در جای خود به آنها اشاره می‌شود.

محاسن

۱. از آنجا که تا به حال نظام حاکم و سنتی آموزش دانشگاهی در رشته اقتصاد، نظام غیرتلفیقی و طراحی‌های مبتنی بر رشته (Discipline Based Design) بوده و مدیران، برنامه‌ریزان و استادان خود برآمده از همین نظام هستند؛ بنابراین طراحی و اجرای این نوع

*. برخی دانشگاه‌های مهم دنیا در عرصه علوم انسانی همزمان و در موردهایی بعد از دانشگاه امام صادق علیه السلام به طراحی‌های تلفیقی مانند: فلسفه و اقتصاد در دانشگاه اراسموس، فلسفه و سیاست و اقتصاد در آکسفورد و ... پرداخته‌اند! (ر.ک: پیوست یک و دو).

برنامه بسیار ساده است. چرا که در این رویکرد برنامه درسی و سرفصل‌های درسی رایج در رشته اقتصاد تغییر اساسی و ماهوی را شاهد نیست. مگر در یک متغیر معین مانند: عامل زمان ارایه دروس، سازماندهی عمودی (و نه افقی) محتوای آنها و یا سازماندهی افقی زنجیره مفهوم‌های مشترک (Feiner and Bartlett, 1992) در دو حوزه تخصصی معارف اسلامی و بحث‌های اقتصادی. بدیهی است هر چه وزن سازماندهی افقی پررنگتر شود شاهد نوع کامل‌تری از تلفیق خواهیم بود. به‌طور مثال، برنامه‌ریز باید در توالی آموزش، مفهوم‌هایی مانند: مالیات‌ها از بخش عمومی، خمس و زکات از حوزه فقه دقت لازم را به خرج دهد (سازماندهی عمودی) و در بهترین حالت در درسنامه به بررسی تطبیقی مسئله «پایه مالیاتی» در دو حوزه علمی بپردازد؛

۲. با توجه به حفظ و رعایت ساختار منطقی هر حوزه تخصصی و رعایت پیش‌نیازها و زنجیره مفهوم‌ها و روش‌شناسی حاکم در هر حوزه، فرایند یادگیری منظم است و دانش‌آموخته در هر حوزه پیشرفت علمی ملموسی را شاهد است. به‌طوری که دانش‌آموخته برنامه تلفیقی، در عرصه کار پژوهشی یا اجرایی به‌طور کامل قابل مقایسه و رقابت با دانش‌آموخته اقتصاد یا معارف اسلامی تنها است؛

۳. برنامه‌ریز از تجزیه هدف‌های کلی تلفیقی به هدف‌های جزئی معاف است. بنابراین، برنامه‌ریزی درسی و مدیریت آموزشی آسان بوده و نیازی به درسنامه‌های تلفیقی یا استادان دو رشته‌ای نیست؛

۴. محصول این برنامه، دانش‌آموختگانی است دو وجهی و مطلع از هر دو حوزه معرفتی، به‌صورتی که با اطلاع کافی از ادبیات علمی و ترمینولوژی تخصصی هر دو حوزه، می‌توانند ضمن فراهم‌آوردن امکان اجرای دیگر برنامه‌های آموزشی تلفیقی، ترجمان خوبی برای برقراری ارتباط بین عالمان اسلامی و اقتصاددانان باشند.

معایب

۱. در این روش ارتباط عمیق و موثر بین رشته‌ها پدید نمی‌آید. در حقیقت این رویکرد به‌رغم کامیابی در ارتقای همزمان و موازی هر دو دانش، از انتقال دانش و مهارت کسب‌شده به موقعیتهای متفاوت و عرصه‌های موضوعی حوزه دیگر، جز در حد اطلاعات عمومی، عاجز

است. به عبارت دیگر توازی حاکم بر «برنامه درسی» و «دانش» آموخته شده، اندیشه فرد را در سازماندهی مطالب و بررسی یک پارچه پدیده واحد براساس یافته‌ها و نگرش‌های برآمده از حیطة رشته‌ها یاری نمی‌کند. موردهای ذیل مثال‌هایی است که از دانش آموخته این روش (حسب برنامه اجرا شده و نه قابلیت‌ها و کوشش‌های فردی) انتظار نمی‌رود:

۱. فلسفه اقتصاد:

أ. بررسی تطبیقی هستی‌شناسی رایج در علم اقتصاد و ترسیم مبادی هستی‌شناختی اقتصاد اسلامی؛
 ب. بررسی تطبیقی معرفت‌شناسی رایج در علم اقتصاد و ترسیم مبادی معرفت‌شناختی اقتصاد اسلامی.

۲. اخلاق و اقتصاد:

بررسی تطبیقی دلالت‌های اخلاق الهی و اخلاق سکولار در شکل‌گیری نظام بازار؛

۳. تاریخ وقایع اقتصادی تمدن اسلامی:

بررسی رفتار تجاری مسلمانان با بلاد کفر در قرن ششم هجری با استفاده از ادبیات نظریه بازی‌ها.

۴. فقه الاقتصاد:

أ. نظریه‌پردازی و مدل‌سازی در باب‌های «معاملات بالمعنی الاعم» فقه شیعی در چارچوب نظریه آمر - مامور (Agent-principal theory)؛
 ب. تبیین نظر فقیهان شیعی درباره مسئله عدالت (سازمانی، ساختاری و بین نسلی) در باب‌های گوناگون؛
 ج. نظریه‌پردازی و مدل‌سازی در باب‌های «معاملات بالمعنی الاعم» فقه شیعی در چارچوب اقتصاد اطلاعات.

۵. فلسفه اقتصادی:

أ. نظریه‌پردازی تطبیقی درباره مسئله بهره؛
 ب. نظریه‌پردازی تطبیقی درباره مسئله زمان؛
 ج. نظریه‌پردازی تطبیقی درباره مسئله مالکیت؛
 د. نظریه‌پردازی تطبیقی درباره مسئله ریسک و نااطمینانی.
 ۲. جز درباره یادگیرنده‌های نخبه، خلاق، باهوش و مستعد، دانشجو رشته‌ها را به‌طور جداگانه از هم فرامی‌گیرد و کلاس درس، و عنصرهای نظام آموزشی، ارتباط و تعامل لازم را با قابلیت‌ها و توانمندی‌های هر حوزه معرفتی در حوزه دیگر و به‌طور کلی در بررسی و حل مسایل زندگی واقعی برقرار نمی‌کنند.

۳. مسئله تلفیق فقط به ذهن دانش‌آموخته واگذار می‌شود و عنصرهای درگیر در فرایند آموزشی، مانند: متن، برنامه درسی، چینش و زنجیره مفهوم‌ها، روش‌های آموزشی و استاد هیچ نقشی را در این باره بر عهده نمی‌گیرد. بنابراین، احتمال شکست و خطر نفی فلسفه آموزشی از سوی یادگیرنده، برنامه درسی را تهدید می‌کند.
۴. در عمل و در اکثر موردها، توانمندی‌ها و قابلیت‌های رشته‌ای به نفع رشته دیگر نفی می‌شود و دانش‌آموخته به یک رشته متمایل می‌گردد. به‌ویژه اینکه این خطر بالقوه با سیاست‌های آموزشی یک‌سونگر و ناظر بر یک رشته مانند اصل و فرع قرار دادن رشته‌ها و درخواست و پذیرش موضوعات یا روش‌شناسی‌های ویژه از یک رشته در پایان‌نامه‌های تحصیلی همراه شود.
۵. در این رویکرد آنچه اصالت دارد ساختار رشته‌ای است نه متعلم یا موضوع. تاکید بر ساختار حاکم بر یک رشته نیز امکان، توان و مسئولیت تجزیه و تحلیل اقتصادی مسایل اسلامی یا تحلیل اسلامی مسایل اقتصادی و سرانجام دستیابی به مرزهای جدید از دانش تلفیقی یا اقتصاد اسلامی را تضعیف می‌کند.

دلالت کاربردی رهیافت درون‌رشته‌ای موازی در برنامه‌ریزی درسی رشته اقتصاد اسلامی

در حال حاضر کم نیستند مراکز دانشگاهی و دانشکده‌های اقتصاد دنیا، که حسب بسط و توسعه نظری که در علم اقتصاد پدید آمده است و همچنین به‌دلیل نیاز مراکز تجاری، اجرایی و سیاست‌گذاری کلان کشورها در مواجهه با مسئله‌ها و پدیده‌های چندوجهی، در پی تربیت افراد واجد چند تخصص هستند و حتی باور دارند که آموزش اقتصاد باید در فضایی از چالش‌های نظری برآمده از ترابط با دیگر علوم تدریس شود (Raveaud). در این جهت رشته‌هایی مانند: اقتصاد و مهندسی، اقتصاد و پزشکی، و به‌طور ویژه رشته‌های «فلسفه و اقتصاد»، «حقوق و اقتصاد»، «فلسفه، سیاست و اقتصاد» در بیش از یکصد مرکز دانشگاهی معتبر دنیا ارایه می‌شود. اسامی برخی از این دانشگاه‌ها در پیوست شماره یک آمده است. رشته معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام نیز به‌طور دقیق از همین رویکرد برخوردار است.

طراحی برنامه‌های درسی این مراکز، به‌طور دقیق منطبق بر رهیافتی موازی فقط به انتقال مفهوم‌ها و چارچوب‌های تحلیلی و روش‌شناسی‌های پژوهشی هر رشته مستقل از دیگری می‌پردازد. نمونه عملی و عینی از این رهیافت برنامه‌ریزی درسی را در جدول شماره دو، و در عنوان‌های درس‌های برنامه رشته «فلسفه، سیاست و اقتصاد» (سفارش وزارت علوم در سال ۱۳۸۶) مشاهده می‌کنید، که در تمام دانشگاه‌های دیگر مجری این رشته نیز مشابه همین عنوان‌ها با رویکرد موازی اجرا می‌شود (پیوست دو). به‌صورتی که سه دسته درس، از سه دیسپلین مستقل از هم، بدون رابطه مفهومی یا روش‌شناختی، فقط در کنار هم، به دانشجویان ارائه شده و از هیچ درس واسطه، مانند: فلسفه اقتصاد یا فلسفه سیاسی استفاده نشده است.

جدول (۲): عنوان‌های درسی رشته (PPE)

فلسفه	سیاست	اقتصاد
انسان‌شناسی دینی	فلسفه اندیشه سیاسی اسلام	نظریه‌های پیشرفته اقتصاد توسعه
هستی‌شناسی دینی	مطالعه‌های ایران	فلسفه و روش‌شناسی اقتصاد
مطالعه‌های تطبیقی معرفت‌شناسی	نظریه‌های پیشرفته اداره دولت و حکومت	فلسفه و روش‌شناسی اقتصاد اسلامی
فلسفه اخلاق و نظریه‌های عدالت	مطالعه‌های تطبیقی قانون‌گذاری، اجرا و قضاوت در دولت	تجزیه و تحلیل پیشرفته مسایل اقتصادی
منطق کاربردی پیشرفته	تفکر استراتژیک و آینده‌پژوهی	روش‌های مقداری پیشرفته در اقتصاد
تاریخ فلسفه اسلام و غرب	فلسفه علم سیاست	تاریخ اندیشه‌های اقتصادی
	نظریه‌های پیشرفته روابط بین‌الملل	مطالعات تطبیقی نظام‌های اقتصادی

همان‌طور که در بخش معایب اشاره شد این رویکرد به تنهایی به تامین تمام هدف‌های برنامه‌ریزان درسی قادر نیست اما بُعدهای مثبت و محاسن این رویکرد را نیز نمی‌توان نادیده انگاشت. بنابراین، وجود ترکیب‌های درون‌رشته‌ای موازی بین اقتصاد با رشته‌های گوناگون علوم و معارف اسلامی مانند فقه، فلسفه، کلام، قرآن و حدیث، اخلاق و حتی علوم اسلامی دیگری مانند: علوم سیاسی اسلامی، جامعه‌شناسی اسلامی، روان‌شناسی اسلامی، نیاز امروزین فرایند تولید علم دینی اقتصاد اسلامی بوده و باعث می‌شود تا ظرفیت این نهادها و اعضای هیئت‌علمی و دانش‌آموختگان آنها در تحلیل معضله‌ها و حل

مسئله‌های موجودی جامعه اسلامی از دید معارف حقه اسلامی را ارتقا بخشد. بهترین مثال و الگوی عملی این برنامه، را در برنامه درسی رشته معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام می‌توان مشاهده کرد.

برنامه‌ریزی تلفیقی میان‌رشته‌ای

برنامه‌ریزی تلفیقی میان‌رشته‌ای (Inter-Disciplinarity) به‌طور اساسی، رویکردی موضوع‌محور است. در این روش، مفهومی‌ها، مبادی، موضوع‌های کلی، اصول مشترک یا به نسبت مشترک بین دو یا چند رشته مورد توجه بوده و به‌صورت آگاهانه روش، زبان و دانش سازمان‌یافته چند حیطه از دانش را در قالب یک برنامه درسی، جهت بررسی موضوع‌ها و مبادی مشترکی به‌کار می‌گیرند (Kockelmans, 1998). در عین حال، کاربردها و جلوه‌های بسیار متنوعی از موضوعی واحد از دید رشته‌های گوناگون مطرح می‌شود. بنابراین، در این سازماندهی خاص آموزشی، دانشجویان، در یک درس، هر چند به نظام رشته‌ای خاصی مقید نمی‌شوند اما موضوع‌های مهم و واحدی را از بُعدهای گوناگون و در چارچوب‌های تحلیلی و از دید روش‌شناسی چند علم، مورد مطالعه و توجه قرار می‌دهند، به‌طوری که بُعدهای گوناگون یک موضوع از جهت‌های گوناگون مورد کالبد شکافی قرار گرفته و در طرح منسجم برای دانشجو ارائه شود (Weber, 1978). این موضوع‌های طیفی از مفهوم‌های بسیار عام مشترک بین رشته‌ها تا مفهوم‌های خاص را در بر می‌گیرد.

با توجه به جدول (۱) ملاحظه می‌شود که طراحی برنامه درسی میان‌رشته‌ای را در سطح‌های گوناگونی می‌توان انجام داد. چرا که برنامه‌ها می‌توانند با توجه به رسالت و هدف‌های کلان آموزشی هر دانشگاه، فقط در محدوده مفهوم‌های بسیار عام یا مفهوم‌های خاص طراحی شود. اما در تمام این حالت‌ها، وجهه مشخص اصلی این رویکرد، حرکت افقی در جدول است.

محاسن

برنامه آموزشی با واقعیت چند وجهی و پیچیده و در عین حال منسجم، ارتباط موثری برقرار می‌کند. به لحاظ ارتباط مطالب و مواد درسی با هم و یکپارچگی و انسجام مطالب،

یادگیری بهتر انجام می‌شود و در زمان دستیابی به هدف‌های متکثر و چند بُعدی، صرفه‌جویی می‌شود (Smith, 2001).

معایب

در پاره‌ای موردها، به‌ویژه اگر سطح حرکت افقی در جدول به مجموعه‌ای از مفهومی‌های خاص محدود شود؛ باعث نوعی سطحی‌نگری می‌شود که برای رسالت سازمان‌هایی که از برون‌دادهای انسانی خود ویژگی‌های اندیشه‌ور و تصمیم‌ساز را طالب هستند، چندان مناسب نیست. اما برای سطوح کارشناسی اجرایی و عملیاتی چه‌بسا مفید هم باشد. با توجه به اینکه از یک حوزه علمی فقط چند مفهوم خاص مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ بنابراین، فقط برای مقاصد آموزشی‌ای مفید فایده است که موضوع‌های خاص و اندکی را از زاویه‌های متعدد می‌طلبند. اما برای اطلاع از یک حیطه آموزشی، اطلاعات بسیار کمی را در بر دارد:

«تلفیق و طراحی روش‌های منحصر به فرد هر دیسیپلین با روش‌های به احتمال ناسازگار یا مغایر دیگر دیسیپلین‌ها امری مشکل و در پاره‌ای موردها، برنامه را با ضعف طراحی و ناسازگاری درونی روبه‌رو می‌کند» (Wineburg & Grossman, 2000).

دلالت کاربردی رهیافت میان‌رشته‌ای در برنامه‌ریزی درسی رشته اقتصاد اسلامی

این رهیافت ظرفیت خوبی برای طراحی درس‌هایی جهت مطالعه همه‌جانبه یک موضوع از بُعدهای اسلامی و اقتصادی و تربیت کارگزاران متخصص اقتصاد اسلامی را دارد. به‌طور مثال، موضوع‌هایی مانند: دولت، خصوصی‌سازی، رقابت، توسعه، بازار یا مالکیت، یا حتی موضوع‌های جزئی مانند: توسعه صنعتی، توسعه کشاورزی، اعطای هدفمند یارانه‌ها و ... همزمان از دیدهای گوناگون فقهی، فلسفه اسلامی، تفسیرهای قرآنی و قول و فعل و تقریر امامان معصوم علیهم‌السلام و حتی حقوق اسلامی، سیاست اسلامی، جامعه‌شناسی اسلامی و تجربه و رفتار تاریخی مسلمانان، با بکارگیری مبادی، روش‌شناسی‌ها و روش‌های مربوط به هر دید مورد بررسی قرار می‌گیرد، فهرستی از این قبیل دروس، عبارت هستند از:

جدول (۳)

اقتصاد ضمان
اقتصاد وقف
اقتصاد انفال
اقتصاد تعاون و ایثار
اقتصاد عدالت
اقتصاد زکات
اقتصاد تکافل

مثال جدول (۴)، نمونه‌ای فرضی از برنامه درسی گرایش «مطالعات توسعه اسلامی» در

۱۸۵

برنامه کارشناسی ارشد اقتصاد اسلامی با رویکرد میان‌رشته‌ای می‌تواند تلقی شود.

جدول (۴): عنوان‌های درسی گرایش کارشناسی ارشد «مطالعات توسعه اسلامی»

درس عمومی	درس‌های عمومی مصوب تمام رشته‌ها
درس پایه	نظریه‌های جامعه‌شناختی، کلیات حقوق، اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، اقتصاد کشورهای در حال توسعه و ...
درس‌های میان‌رشته‌ای	نظریه‌های اقتصاد توسعه
	سیر تحول‌های توسعه اقتصادی در دنیا
	جامعه‌شناسی اسلامی توسعه
	مطالعه تطبیقی مسئله عدالت در نظریه‌های توسعه اسلام و غرب
	بُعدهای حقوقی فرایند توسعه از دید حقوق اسلامی
	بُعدهای کلامی، فلسفی و انسان‌شناختی مسئله توسعه از دیدگاه اسلام
	مبادی فلسفی و کلامی مسئله توسعه در اندیشه اسلام و غرب
	اقتصاد سیاسی کشورهای در حال توسعه مسلمان
	مبادی فقهی مسئله توسعه
	مطالعه نهادی مسئله توسعه

همان‌طور که از برنامه فرضی پیش‌گفته معلوم است، طراحی برنامه‌های درسی یا گرایش‌های آموزشی میان رشته‌ای، باعث می‌شود تا دانشکده‌های اقتصاد با تربیت دانشجویان چندبُعدی، مشارکت جدی و موثری را در عرصه سیاست‌گذاری و ارتقای سطوح کارشناسی در مراکز اجرایی و تصمیم‌گیری کشور ایفا کنند. بدیهی است این مهم البته مستلزم خواست، تقاضا و سرمایه‌گذاری مراکز پیش‌گفته است.

برنامه‌ریزی تلفیقی چندرشته‌ای (Multi-Disciplinary)

این رویکرد آموزشی با یک موضوع یا مسئله کلی آغاز می‌شود که همزمان از راه چند نظام رشته‌ای و اصول سازمان‌دهنده دیسپلین‌های گوناگون، یک پدیده یا موضوع یا مسئله را بررسی می‌کند (Ault & Rutman, 1978). بنابراین از این رویکرد هم به‌صورت یک رویکرد موضوع‌محور می‌توان نام برد.

رویکرد پیش‌گفته برای آموزش موضوع‌هایی که از بُعدهای گوناگون همپوشانی دارند؛ جذابیت دارد. مشابه رهیافت میان‌رشته‌ای، اصل بر تمرکز رشته‌های گوناگون روی یک مسئله در قالب یک یا چند درس است، اما برخلاف آن، کوشش مستقیمی برای ارتباط بین آنها صورت نمی‌گیرد و مسئله یکپارچگی (Integration) دنبال نمی‌شود. به‌طور مثال، در عنوانی چون جامعه‌شناسی سیاسی کشورهای در حال توسعه، هر چند موضوع بررسی مسایل کشورهای در حال توسعه است، اما ترابط و یکپارچگی چندانی بین چارچوب‌های تحلیلی و روش‌شناختی دو دیسپلین جامعه‌شناسی و علوم سیاسی در تحلیل موضوع، دیده نمی‌شود. از جهت تمرکز بر یک موضوع، از رویکرد موازی دور می‌شود اما هنوز مقید به چارچوب‌های نظری و روشی رشته‌ها است. از این‌رو این رویکرد به جهت شدت و میزان تلفیق، رویکردی ما بین رهیافت درون‌رشته‌ای موازی و میان‌رشته‌ای شمرده می‌شود. البته چه‌بسا بازشناسی رهیافت میان‌رشته‌ای و چندرشته‌ای از هم، فقط از عهده متخصص برنامه‌ریزی درسی تلفیقی بر آید.

ترتیب و توالی موضوع‌های طرح‌شده در این برنامه درسی را نیز عامل‌هایی مانند: سهولت بررسی، فراهم‌کردن فرصت‌های پژوهشی خاص، نیاز جامعه و ... تعیین می‌کند. بروز و ظهور این رهیافت، در برنامه‌های درسی را می‌توان در ماهیت و کیفیت متن‌های

آموزشی یا محتوای تدریس استاد جست. در برنامه‌های پژوهشی، البته ظهور بیشتری دارد و تحقیق‌هایی را در بر می‌گیرد که با عناوینی چون «تحلیل فقهی و اقتصادی توسعه در کشورهای اسلامی» یا «ابعاد فقهی و اقتصادی توسعه مالزی» مطرح می‌شوند.

محاسن

افزون بر محاسنی که رویکردهای تلفیقی به‌طور عام دارند، می‌توان موارد ذیل را به محاسن برنامه‌ریزی چند رشته‌ای اضافه کرد:

أ. برقراری ارتباط بین دیسپلین‌های گوناگون توسط استاد و دانشجو به راحتی اتفاق می‌افتد؛

ب. در مقام طراحی برنامه، کوشش کمتری را می‌طلبد؛

ج. تمام شرایط و بُعدهای یک موضوع بررسی می‌شود. در حقیقت یک پدیده یا مفهوم به‌طور جامع و در کلیت خود ارایه می‌شود. بنابراین، تمام شرایط و ویژگی‌ها و روابط مورد بررسی قرار می‌گیرند؛

د. به جهت بررسی مسئله از زاویه‌های گوناگون، تطابق و ارتباط لازم را با مسایل واقعی و زندگی دارد.

معایب

در این رویکرد ساختار درونی موضوع‌های درسی و توالی مفهوم‌ها و پیش‌نیازها به هم می‌خورد. بنابراین، در مقام برنامه‌ریزی باید دقت کرد تا حلقه‌های متوالی موضوع‌ها و مسایل به‌گونه‌ای انتخاب شوند تا این مشکل به حداقل خود برسد. در مقام طراحی برنامه همسان‌سازی میان «رویکرد موضوعی» با روند «ازمعلوم به مجهول» یا «از ساده به دشوار» دقت و مهارت خاص خود را می‌طلبد که دشواری خاص خود را دارد. شرط لازم برای چنین طراحی درسی این است که موضوع یا موضوع‌های انتخابی، قابلیت طرح از جانب رشته‌های گوناگون را داشته باشد. بنابراین، تمام رشته‌ها در این رویکرد قابلیت تلفیق با هم را ندارند. در مقام اجرا استادان دو وجهی با اطلاعات و دانش بالا را می‌طلبد. پدیدساختن وحدت رویه بین استادان مشکل است.

دانش آموخته تجربه‌های ذهنی لازم برای درک پیچیدگی‌ها و حقیقت‌های امور به‌طور معمول و به‌صورت پیشینی را ندارد. بنابراین، در حالتی که دانش آموخته با عدم تجزیه و تحلیل جدی مسایل توسط مربی روبه‌رو باشد؛ فرایند یادگیری فاقد سهولت لازم بوده و چه‌بسا موجب تعمیم‌های اشتباه دانش آموخته شود.

دلالت کاربردی رهیافت چندرشته‌ای در برنامه‌ریزی درسی رشته اقتصاد اسلامی

این رهیافت نیز مانند: رهیافت میان‌رشته‌ای، ظرفیت خوبی برای مطالعه همه جانبه موضوع چند بُعدی و تربیت سیاستگذاران متخصص چند حرفه‌ای دارد. نمونه‌ای از استفاده از این روش را می‌توان در نمونه فرضی گرایش سرمایه‌گذاری برنامه کارشناسی ارشد اقتصاد اسلامی مشاهده کرد که در آن موضوع چندبُعدی و چندوجهی مانند سرمایه‌گذاری، از دید چند دیسیپلین مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. برخی از درس‌های این گرایش را که با نگرشی چندرشته‌ای سازمان یافته‌اند در جدول (۵) مشاهده می‌کنید.

جدول (۵): برخی از عنوان‌های درسی گرایش سرمایه‌گذاری برنامه کارشناسی ارشد اقتصاد اسلامی

مطالعه تطبیقی مسئله اطلاعات در قراردادهای مضاربه و سرمایه‌گذاری
تبیین رابطه تعاملی ضارب و مضارب در مدل آمر - مامور (Agent- principal model)
تبیین فقهی و اقتصادی عقدهای مشارکتی
حقوق و فقه سرمایه‌گذاری خارجی
اخلاق حرفه‌ای سرمایه‌گذاری
مطالعه تطبیقی مفهوم سرمایه از دید فقه و علم اقتصاد
اقتصاد تطبیقی قراردادهای سرمایه‌گذاری

برنامه‌ریزی تلفیقی چندرشته‌ای متقاطع (Cross-Disciplinarity)

این رویکرد که به «طراحی براساس گذر از رشته‌ها» نیز نامیده شده است، رویکردی است که در آن دیسیپلین یا رویکرد روش‌شناختی یا حیطه موضوعی را از دیدگاه تحلیلی و روش‌شناختی و در قالب الفاظ دیسیپلینی دیگر مورد مطالعه قرار می‌دهند (Dorman, 2005). مثال‌های معروف در این نوع از برنامه‌ریزی درسی ترکیبات مضاف و مضاف الیه از رشته‌ها

یا موضوع‌ها به صورت مضاف‌الیه با رشته‌ها به صورت مضاف است. مانند: «اقتصاد چرخه سوخت هسته‌ای»، «اقتصاد قراردادها» یا «حقوق اساسی اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران». امروزه کاربرد این نوع از طراحی درسی در آن دسته از هدف‌های آموزشی که در پی نگاهی بیرونی به یک رشته، مبادی و اصول حاکم بر آن، و رفتار جمعی عالمان آن، و همچنین دستیابی به وصف‌های پسینی یا توصیه‌هایی پیشینی از آن است، کاربرد وسیع و فراگیر دارد (Drakopoulos, 1994).

حسب هر رشته تحصیلی، درس‌های مضافی، مانند: فلسفه‌های مضاف، تاریخ‌های مضاف، جامعه‌شناسی‌های مضاف و ... از این مقوله هستند که نقش مهمی را به صورت کاتالیزور در امر تلفیق ایفا می‌کنند. به طور مثال برنامه‌های درسی مبتنی بر فلسفه‌های مضاف مانند: فلسفه اقتصاد، فلسفه دین، فلسفه فقه یا عنوان‌هایی مانند: جامعه‌شناسی علم سیاست (و نه جامعه‌شناسی سیاسی)، جامعه‌شناسی علم اقتصاد از این مقوله هستند.

محاسن

از محاسن این رویکرد می‌توان به سادگی آن اشاره کرد که به راحتی بین حداقل دو رشته علمی قابل طراحی است. به طور مثال با آشنایی لازم از روش‌شناسی و مبادی حاکم در دیسپلین تاریخ و آشنایی با موضوع‌ها و جریان‌های اقتصادی به راحتی می‌توان به طراحی گرایش «تاریخ وقایع اقتصادی عصر معصومین» رسید.

دلالت کاربردی رهیافت چندرشته‌ای متقاطع در برنامه‌ریزی درسی رشته اقتصاد اسلامی

براساس این رویکرد، در دانشکده‌های اقتصاد افزون بر اینکه می‌توان در مقاطع تکمیلی و دکترا رشته‌های خاص و کاربردی را طراحی کرد بلکه برنامه‌های درسی موجود را می‌توان تقویت و تکمیل کرد. به عبارت دیگر در مقاطع گوناگون تحصیلی با لحاظ کردن چند واحد درسی می‌توان به تحلیل‌ها و مطالعه‌های برون‌رشته‌ای درباره کارکردها و مسایل اقتصاد اسلامی پرداخت. نمونه‌های کاربردی استفاده از این رویکرد در برنامه‌های درسی رشته اقتصاد را در دو دسته می‌توان خلاصه کرد:

أ. دسته نخست، درس‌ها و رشته‌های مضاف هستند که اغلب بر کلیت رشته اقتصاد یا جریان‌های اقتصادی البته از دید اسلامی متمرکز می‌شوند. مانند: فلسفه‌های مضاف، تاریخ‌های مضاف،

جامعه‌شناسی‌های مضاف ناظر بر اقتصاد؛
 ب. دسته دوم، مجموعه برنامه‌ها یا درس‌هایی است که کلیت دیسپلین مرجع (رشته موصوف) به موضوع‌های اقتصادی می‌پردازد، که از آنها به «اقتصادهای صفت» یاد می‌کنم.
 در جدول (۶)، برخی از عناوین درس‌ها یا حوزه‌های پژوهشی حاصله از رهیافت چند رشته‌ای متقاطع در دو دسته پیش‌گفته، نام برده شده‌اند.

جدول (۶): برخی از عنوان‌های چندرشته‌ای متقاطع متناسب با رشته اقتصاد اسلامی

ترکیب‌های مضاف	ترکیب‌های صفت
جامعه‌شناسی فقه اقتصاد	فلسفه اقتصادی اسلامی
جامعه‌شناسی رفتار اقتصاددانان مسلمان	جامعه‌شناسی اقتصاد اسلامی
فقه اقتصاد مقارن	رفتارشناسی اقتصاد اسلامی
تاریخ اقتصاد اسلامی	حقوق اقتصاد اسلامی
فلسفه اقتصاد اسلامی	روان‌شناسی اقتصاد اسلامی
هستی‌شناسی اقتصاد اسلامی (Ontology of Islamic Economics)	انسان‌شناسی اقتصادی اسلامی
معرفت‌شناسی اقتصاد اسلامی (Epistemology of Islamic Economics)	مردم‌شناسی اقتصادی از دید اسلامی
اقتصاد تعاون و ایثار	فرهنگ اقتصادی اسلامی
ارزش‌شناسی اقتصاد اسلامی (Axiology - Ethology of Islamic Economics)	نهادشناسی اقتصادی در اسلام
غایت‌شناسی اقتصاد اسلامی (Teleology of Islamic Economic)	مدیریت اقتصادی در اسلام

برنامه‌ریزی تلفیقی چندرشته‌ای متکثر (Pluri-Disciplinarity)

این نوع طراحی، از راه طراحی ما بین دیسپلین‌هایی که ارتباط بیشتری با هم دارند، صورت می‌پذیرد. بنابراین، وجود یک ادبیات مشترک یا روش‌شناسی مشترک همراه با همگونی مفهوم‌ها در دو عرصه علمی لازمه چنین طراحی است. نمونه عملی آن را در طراحی دروس ریاضی و فیزیک و یا ریاضی و اقتصاد در قالب اقتصاد ریاضی می‌توان مشاهده کرد، که با تلفیق بین این دو دیسپلین می‌توان نظم منطقی و محتوایی لازم را در یک طرح منسجم برقرار کرد. این نوع طراحی، قدرت درک ارتباط بین دو حوزه علمی مشترک را در دانشجو تقویت کرده و نقاط قوت هر یک در پیشرفت دیگری اثر می‌گذارد.

دلالت کاربردی رهیافت چندرشته‌ای متکثر در برنامه‌ریزی درسی رشته اقتصاد اسلامی

اغلب اقتصادهای موصوف که در جدول (۷) ملاحظه می‌کنید از این قبیل هستند، که در آنها معارف و علوم گوناگون اسلامی، برخی به لحاظ موضوع، رهیافت و برخی دیگر هم به لحاظ روش با کلیت علم اقتصاد تلفیق شده‌اند.

جدول (۷): گرایش فقه اقتصاد براساس رویکرد چندرشته‌ای متکثر

فقه اقتصاد بخش خصوصی
فقه اقتصاد بخش عمومی
فقه اقتصاد حکومتی
قواعد استنباطی فقه اقتصاد
فلسفه فقه اقتصاد
فقه اقتصاد مالی
فقه اقتصاد ابزارهای مالی
فقه اقتصاد مقارن
فقه اقتصاد خانواده

برنامه‌ریزی تلفیقی فرارشته‌ای (Supra-Disciplinarity / Trans-Disciplinarity)

رویکردهایی که همگی ماده یا موضوع درسی را به صورت مدخل و جهت‌دهنده اصلی فرایند یاددهی - یادگیری در نظر می‌گرفتند و تفاوت اساسی آنها در جهت‌گیری آموزشی حاکم بر آنها که در جدول (۱) متصور بود، خلاصه می‌شد. به این معنا که پیشبرد آموزشی در آن جدول به طور افقی، قائم، مورب یا ترکیبی از آنها باشد. در اینجا می‌توان رویکرد دیگری را نیز مطرح کرد که بر ساختار منطقی و موضوع‌های مرسوم در حیطه علمی متمرکز نمی‌شود، بلکه با قراردادن دانش‌آموخته و مهارت‌های گوناگون وی به صورت کانون توجه، ساختار جامعی از فعالیت‌ها و قابلیت‌های سه‌گانه فرایند یادگیری (شناختی، گرایشی و مهارتی - رفتاری) را ماورای موضوعات، جایگزین ساختار منطقی و موضوعی علوم در حیطه دیسپلین‌ها کرده و موردهای اخیر را فرع بر آن اصل قرار می‌دهد. البته تعیین آن دسته از فعالیت‌ها و قابلیت‌های مورد اشاره به مقاصد آموزشی بر می‌گردد که از سیاست‌های کلان آموزشی حاکم بر برنامه سرچشمه می‌گیرند. بنابراین، هدف‌ها و استراتژی‌های کلان نقش اساسی را در این باره ایفا می‌کنند.

جدول (۸)، اساس کار این رویکرد و نوع تعامل قابلیت‌های گوناگون با ساختارهای رشته‌ها را نشان می‌دهد. این رویکرد با توجه به نوع حرکت در جدول در مسیرهای افقی، قائم و مورب دست‌کم به سه صورت قابل تصور است:

فرارشته‌ای افقی (Horizontal Supra-Disciplinarity)

پدیدساختن یک یا چند مهارت‌شناختی، گرایشی یا مهارتی با عنایت و استفاده از موضوع‌ها و موقعیت‌های گوناگون برگرفته از حوزه‌ها و رشته‌های متعدد و در عین حال بذل توجه لازم به شیوه «میان‌رشته‌ای» رویکرد ما را به «فرارشته‌ای افقی» مبدل می‌کند. این رویکرد هر چند با جزئی‌نگری رشته‌ای مقابله می‌کند و مقدمه‌های انتقال آموخته‌ها را به حوزه‌های گوناگون فراهم می‌کند. جدول (۸): قابلیت‌های شناختی، گرایشی، مهارتی و رفتاری در برنامه‌ریزی فرارشته‌ای (دنو، ۱۳۷۷)

نظام‌های رشته‌ای				نوع کلی فعالیت‌ها
D	C	B	A	
				برقراری ارتباط (دریافت)
				برقراری ارتباط (گسیل)
				واکنش درباره محیط
				تعبیر و تفسیر
				انطباق‌یافتن
				پیش‌بینی
				یادگیری
				تصمیم‌گیری
				انتخاب
				قضایات
				توان مقابله
				عمل کردن
				به کار بستن
				حل مسئله
				ارائه خلاقانه
				تبدیل کردن (دگرگون کردن)
				سازماندهی، اداره کردن
				تشریح کردن و توضیح دادن
				مجمعل سازی
				اثبات

اما سازماندهی قابلیت‌ها و نقش‌های واحد از رشته‌های گوناگون در تمامی موردها و همیشه ممکن نیست و چه بسا باعث کنار هم قرارگرفتن فعالیت‌های بسیار متفاوت و ناهماهنگ در یک برنامه درسی شود. به طور مثال، قابلیت‌های گوناگونی مانند: خلاقیت یا قضاوت از رشته درسی بسیار به هم نزدیکتر هستند تا کسب مهارت قضاوت در دو حیطه ریاضی و هنر! همچنین مهارت خاصی را در تمام رشته‌ها به صورت مساوی نمی‌توان جست‌وجو کرد. با این حال در موردهای ممکن این رویکرد کارایی بسیار موثری را در پدیدساختن نقش‌ها و قابلیت‌های مورد نظر در مقاصد آموزشی بازی می‌کند.

فرارشته‌ای قائم

همچنین می‌توان جدول (۸) را به صورت قائم نیز پیمود. در این رویکرد از طراحی برنامه درسی، کوشش می‌شود تا با بهره‌گیری از ساختار یکی از نظام‌های رشته‌ای یا تلفیقی از ساختار چند نظام رشته‌ای، فرصت‌ها و موقعیت‌های مناسب برای پرداختن به مجموعه‌ای از مهارت‌ها و فعالیت‌های مربوطه را جست‌وجو و در برنامه آموزشی سازماندهی کرد. به طور معمول در این رویکرد متخصص نظام درسی با همکاری متخصص تعلیم و تربیت، برنامه‌ای طراحی می‌کنند که در آن دانش‌آموخته طیف تعریف‌شده‌ای از فعالیت‌ها و مهارت‌های شناختی و گرایشی و رفتاری را با یک توالی مناسب در نظام رشته‌ای خاص کسب کند. در حقیقت حوزه علمی در این رویکرد فقط در جایگاه منبعی برای زمینه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به مجموعه‌ای از فعالیت‌های علمی، عمل کرده و نقش چارچوب و ساختار مربوطه برای انتخاب آن موقعیت‌ها را ایفا می‌کند.

رویکرد «فرارشته‌ای قائم» (Vertical Supra-Disciplinarity) ضمن اینکه تغییری بنیادین در هدف‌های تعلیم و تربیت پدید می‌آورد تغییر اساسی و برهم زنده‌ای در چارچوب برنامه‌های آموزشی و ساختارهای آن پدید نمی‌آورد. از این جهت انقلاب شمرده می‌شود، اما در عین حال، اشکال‌هایی نیز بر آن وارد شده است. به طور مثال، از همسویی و قرابت تام با یک‌سویه‌نگری‌های نظام رشته‌ای و فقدان یکپارچگی در امر انتقال آموخته‌ها به حوزه‌های گوناگون واقعی و عینی، به صورت برخی از موردهای اشکال نام برده شده است.

بنابراین به‌طور مثال، یادگیری مهارت قضاوت در حیطه ریاضی، این اطمینان که دانش‌آموخته توان لازم برای قضاوت درباره مسایل اجتماعی پیدا کند را فراهم نمی‌کند.

فرارشته‌ای مورب (Oblique supra-disciplinary)

برخلاف رویکرد فرارشته‌ای قائم، این رویکرد با رهیافتی چندرشته‌ای، در پی فرصت‌هایی از رشته‌های گوناگون است تا مهارت‌های خاص و مشخصی را در دانش‌آموخته محقق کند. در این نوع از طراحی، هر چند دانش‌آموخته با انواع فعالیت‌ها و مهارت‌ها در قالب انواع نظام‌های رشته‌ای آشنا می‌شود، اما نظام‌های رشته‌ای در آن نقش ثانوی ایفا کرده و فقط در جایگاه منبعی برای مفهوم‌ها، موقعیت‌ها و موضوع‌های مورد استفاده و نه به‌صورت چارچوبی سازمان‌دهنده عمل می‌کنند. رعایت مسئله «تعادل» و «ترکیب مناسب» بین انواع گوناگون فعالیت‌ها، مسئله مهم این رویکرد است که در سیاست‌های آموزشی حاکم بر آن باید مدنظر قرار گیرد.

دلالت کاربردی رهیافت فرارشته‌ای در برنامه‌ریزی درسی رشته اقتصاد اسلامی

حسب مقایسه اجمالی برنامه‌های درسی موجود در مقاطع دانشگاهی رشته اقتصاد با برنامه‌های مشابه دانشگاه‌های معتبر دنیا، به جرات می‌توان گفت که متخصصان برنامه‌ریزی رشته اقتصاد اسلامی، نمی‌توانند درباره تربیت مهارت‌های چهارگانه ذیل در برنامه‌های درسی خود بی‌توجه باشند:

أ. مهارت اندیشه و عمل نقاد (Critical Thinking & Action) (Raveaud, 2001)؛

ب. مهارت حل مسئله (Problem Solving) (Dorman, 2005)؛

ج. مهارت تصمیم‌گیری (Decision Making)؛

د. مهارت اندیشه و استدلال تحلیلی (Analytical Thinking) (Feiner, 1955).

با عنایت به این مسئله، فرض کنید در برنامه‌ریزی آموزشی رشته اقتصاد اسلامی و هدف‌های کلان آموزشی تاکید شده است که لازم است مهارت‌های حل مسئله، تصمیم‌گیری، خلاقیت و نوآوری، اندیشه نقاد و تحلیلی، در دانشجوی این رشته تقویت شده و ارتقای یابند. در این صورت در قالب تک درس مشخص یا در درون سرفصل‌های درس مرسوم اقتصادی می‌توان در پی تحقق این قابلیت‌ها برآمد. آنچه در این میان

پیش شرط کامیابی در طراحی برنامه‌های فرارشته‌ای در اقتصاد اسلامی شمرده می‌شود. این است که باید ظرفیت و پتانسیل هر یک از حوزه‌های معرفتی اسلامی ذیل را حسب مهارت‌های پیش گفته معلوم کرد:

أ. مجموعه دروس تکلیف‌شناختی اقتصاد اسلامی شامل: فقه الاقتصاد، اخلاق اقتصادی؛

ب. مجموعه دروس بینشی اقتصاد اسلامی شامل: اصول عقاید، اندیشه اسلامی؛

ج. مجموعه دروس بنیان‌شناختی اقتصاد اسلامی شامل: تفسیر قرآن، حدیث، فلسفه اسلامی؛

د. مجموعه دروس استدلالی اقتصاد اسلامی شامل: منطق، اصول فقه، قواعد فقهیه، فلسفه فقه.

به‌طور مثال، مهارت واکنش درباره محیط در ظرفیت معرفتی قواعد فقهیه و مهارت

پیش‌بینی از فلسفه تاریخ اسلامی نهفته است. در جدول (۹)، به برخی از این مثال‌ها اشاره شده است که باید طی مطالعه‌ها و تحقیق‌های وسیع و متعدد تکمیل و نهایی شود.

در هر صورت مهم این است که بیش از موضوع و رشته، مهارت‌های هدف‌گذاری شده

۱۹۵

مورد توجه برنامه‌ریز باشند. این مهم، از راه طراحی نمونه‌پژوهی‌های گوناگون برای موضوع‌ها و مسئله‌های اقتصاد اسلامی و حتی استفاده از قالب‌های آموزشی مبتنی بر شبیه‌سازی برای مسایل اقتصاد اسلامی و بانکداری اسلامی محقق خواهد شد. نکته بسیار مهم اینکه، استفاده از روش‌شناسی فرارشته‌ای در طراحی برنامه‌های درسی اقتصاد اسلامی خواهد توانست شکاف و نقیصه موجود در تربیت سرمایه‌های انسانی و آن دسته از متخصصان اقتصاد اسلامی که باید از نظریه گذشته و در عرصه اجرا، عمل و سیاست‌گذاری وارد شوند، را پر کند.

به‌طور مثال، فرض کنید که در درس اقتصاد توسعه با اقتصاد سیاسی و در موضوع

جزئی مانند: مسئله فساد و رانت‌خواری، می‌خواهیم از رویکرد فرارشته‌ای استفاده کنیم. در این‌باره کوشش می‌شود تا ضمن:

أ. اتخاذ و انتخاب یک رهیافت روش‌شناختی (مشمول بر مهارت مورد نظر) از یک یا چند

رشته مانند: مهارت‌های حل مسئله، تصمیم‌گیری و اتخاذ راهبرد از علم پژوهش عملیاتی یا نظریه‌بازی‌ها یا مدیریت استراتژیک، علم برنامه‌ریزی؛

ب. استفاده از چارچوب‌های تحلیلی از یک رشته یا چند علم، مانند: سیاست‌گذاری عمومی، روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی اقتصادی، مکتب‌های رفتارگرایی، نهادگرایی و اقتصاد سیاسی، که چارچوب تفکر تحلیلی را درباره موضوع رانت‌جویی فراهم می‌کنند.

رهیافت‌های روش‌شناختی و چارچوب‌های تحلیلی موجود در معارف اسلامی را نیز به‌کار گرفت، تا مهارت‌های اندیشه تحلیلی و تفکر نقاد دانشجو را با آشنایی موضوعی از تاریخ اسلام، سیره امامان معصوم علیهم‌السلام، احکام فقهی و بینش‌های قرآنی ناظر بر موضوع فساد و رانت‌جویی نادرست، و مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری دانشجو را با آشنایی مناسب با قواعد فقهیه و اصول فقه، سیره امامان معصوم علیهم‌السلام و آشنایی با مانورهای فقهی فقیهان عظام را در دانش‌آموخته و مخاطبان برنامه درسی اقتصاد اسلامی مطلق ساخت و با گونه‌شناسی انواع رویکردهای موجود در این دیسپلین‌های گوناگون در حل آن مسئله پیش‌گفته و شیوه‌های اتخاذ تصمیم و مدیریت رفتارها، از دانشجو خواست که درباره وضعیت‌های گوناگون و نمونه‌های دیگر بیاندیشد. در این حال نظام آموزشی دروس اقتصاد اسلامی به ترتیب سه رویکرد فرارشته‌ای قائم، فرارشته‌ای مورب و فرارشته‌ای افقی را تجربه کرده است.

جدول (۹): امکان‌سنجی از ظرفیت معارف اسلامی در تحقق مهارت‌ها در برنامه‌ریزی فرارشته‌ای

نظام‌های رشته‌ای اسلامی متصور				نوع کلی فعالیت‌ها
D	C	B	A	
روان‌شناسی اسلامی، انسان‌شناسی اسلامی				یادگیری
قرآن، فلسفه تاریخ، تاریخ اسلام، فلسفه اسلامی، معرفت‌شناسی اسلامی				تشریح کردن و توضیح دادن
				تعبیر و تفسیر
معرفت‌شناسی اسلامی				اثبات
فقه کاربردی				به‌کار بستن
فقه استدلالی، اصول فقه، قواعد فقهیه، سیره امامان معصوم <small>علیهم‌السلام</small> ، غایت‌شناسی اسلامی				حل مسئله
				ارایه خلاقانه
				انتخاب
				قضاوت
سیره امامان معصوم <small>علیهم‌السلام</small> ، فقه حکومتی، اخلاق اسلامی، حکمت عملی اسلامی				تصمیم‌گیری
				سازمان‌دهی
				عمل کردن
سنت‌های الهی، قرآن، احادیث				اداره کردن
				پیش‌بینی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مقاله کوشیده شد تا با معرفی مختصر و موثر از انواع رهیافت‌های تلفیقی مطرح از سوی متخصصان دانش برنامه‌ریزی درسی، و آرایه دلالت‌های کاربردی متعدد از این رهیافت‌ها در برنامه‌ریزی درسی رشته و گرایش‌های گوناگون اقتصاد اسلامی، موردهای ذیل مورد تاکید قرار گیرند:

ا. کوشش شد نشان داده شود که گستره ادبیات و ظرفیت دانش برنامه‌ریزی درسی برای ارتقای برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها و دستیابی به برنامه‌های درسی و آموزشی اسلامی ایرانی مغفول مانده است. و متأسفانه در محفل‌های علمی و تخصصی اقتصاد اسلامی نیز، فقط از یک عنوان «میان‌رشته‌ای» نام برده شده و گستره بحث و قابلیت‌های بالای آن به بوته اجمال و فراموشی سپرده می‌شود؛

ب. هر چند در مقاله حاضر، دلالت‌ها و ظرفیت‌های رهیافت‌های تلفیقی در طراحی برنامه‌های درسی رشته اقتصاد اسلامی، مورد نظر و توجه نگارنده بود، اما از ظرفیت‌های بالای این رهیافت‌ها در طراحی برنامه‌های پژوهشی تلفیقی در حوزه اقتصاد اسلامی نیز نباید غافل ماند؛

د. در نوشته حاضر، نمونه‌های پیشین، حسب مقتضی و ویژگی‌های رهیافت مورد بحث، شامل کلیت یک رشته، گرایشی از رشته اقتصاد اسلامی یا انواع درس‌های ممکن و متصور از برنامه رشته اقتصاد، بوده است. اما باید تصریح کرد که چه‌بسا برنامه یا حتی درس از برنامه رشته اقتصاد اسلامی، می‌تواند و بلکه حسب موضوع مورد نظر، باید، از بیش از یک رهیافت بهره‌مند باشد. به این ترتیب امکان اتصاف کلیت برنامه به یکی از رویکردهای تلفیقی (جز درون‌رشته‌ای موازی) در عمل بسیار مشکل و نادر است. در برابر اطلاع از این رهیافت‌ها و کاربرد موثر آنها، کتاب‌های درسی و درسنامه‌های آموزشی پژوهش محور را برای رشته اقتصاد اسلامی، به ارمغان خواهد آورد؛

د. کوشش شد تا نشان داده شود که کاربرد این رهیافت‌ها، چگونه زمینه بروز و تبلور مفهوم‌ها و ادبیات سنتی فقهی، اخلاقی و فلسفی اقتصادی اسلام را در برنامه‌های درسی، و امکان تلفیقی آنها را با ادبیات نوین دانش اقتصادی فراهم می‌آورد. به این ترتیب این رویکردها، زمینه را جهت آرایه پاسخی برای این پرسش کهنه و مهم اقتصاد اسلامی، فراهم می‌آورد؛

ه. نهضت نرم‌افزاری و تولید علم مورد نظر مقام معظم رهبری و مورد نیاز عرصه‌های علمی و مدیریت و سیاستگذاری کشور به داشتن سیستم‌ها و نظام‌های معرفتی موثر، کارا، شناسا، منسجمی منوط است که اولاً مبتنی بر معارف و ارزش‌های اصیل اسلامی باشند و

ثانیاً توان شناسایی واقعیت‌های موجود حال حاضر کشور و ارایه راه‌حل به مشکل‌های چندوجهی و پیچیده را داشته باشند. این مهم جز با تربیت دانش‌آموختگان موثر و کارآمد که خود به مهندسی مجدد برنامه‌های درسی موجود در دانشگاه‌ها به‌ویژه در عرصه علوم انسانی منوط است، ممکن نیست.

دانش‌آموختگان دانشگاه سرمایه‌های انسانی شمرده می‌شوند که نقش به‌سزایی در توسعه و پیشرفت کشور بر عهده دارند. پر واضح است که دقت در برنامه درسی آنها باعث کارآمدی و اثربخشی بیشتر این سرمایه خواهد بود. از این رو به جرأت می‌توان گفت که کاربرد طراحی و اجرای رویکردهای تلفیقی به‌ویژه در برنامه‌های درسی رشته‌های علوم انسانی، از جمله اقتصاد اسلامی، نقش کلیدی در توسعه علمی و اجرایی کشور، سرعت بخشی به نهضت نرم‌افزاری به‌ویژه در علوم انسانی و حل مشکل‌ها و مسایل فراروی عرصه‌های علمی و اجرایی کشور ایفا خواهند کرد.

به این منظور به مسئولان و سیاستگذاران ارشد علمی کشور و دانشکده‌ها و انجمن‌های علمی، پیشنهاد می‌شود تا با سرمایه‌گذاری در شناسایی، جذب، تربیت و ارتقای چند نفر در هر رشته، و تمرکزشان به مسایل ناظر بر طراحی‌های آموزشی، راهی جهت برون‌رفت از رکود فعلی در مسئله پویایی و تحول و نوآوری رشته‌های علمی، به‌ویژه اقتصاد اسلامی، فراهم آورند و این خلأ و کمبود دهه‌های گذشته و حال را برطرف کنند.

منابع و مأخذ

أ. فارسی

۱. دنو، ۱۳۷۷ش، «طراحی برنامه‌ها و مواد آموزشی به شیوه تلفیقی و میان‌رشته‌ای»، ترجمه مرتضی خلخال، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال ۲، ش ۲.
۲. قورچیان، نادرقلی، ۱۳۷۴ش، شقوق گوناگون جهت طراحی برنامه درسی، تهران: مرکز ملی تحقیقات مهندسی ژنتیک و تکنولوژی زیستی.

ب. انگلیسی

1. Ault, David, Gilbert , Rutman, 1978, "The Role of Economics in Interdisciplinary and Problem-Oriented Programs', The Journal of Economic Education, Vol. 9, No. 2 pp. 96-101
2. Dorman, Peter, 2005, 'Doctrine-centered versus problem-centered economics', from the European Association for Evolutionary Political Economy's Newsletter, <http://www.paecon.net/PAEtexts/Dorman1.htm>
3. Drakopoulos, Stavros A 1994, "Economic Method and the Scientific Philosophy of Contemporary Physics", Journal of Interdisciplinary Economics, Vol.5, No1, http://www.btinternet.com/~pae_news/review/issue12.htm.
4. Feiner S. and B. Roberts, 1995, "Using an Alternative Paradigm to Teach Race, Gender and Critical Thinking," The American Economic Review.
5. Feiner S. and R. Bartlett, 1992, "Balancing the Economics Curriculum: Method, Content and Pedagogy." The American Economic Review
6. Feiner, Susan 2002, "Toward a Post-Autistic Economics Education", post-autistic economics review, issue no. 12, March 15, article 2. http://www.btinternet.com/~pae_news/review/issue12.htm
7. Journal of Interdisciplinary Economics, <http://www.jie.org.uk/home.html>

8. Kockelmans, Joseph J, 1998.. "Why Interdisciplinarity?" William H. Newell, ed. Interdisciplinarity: Essays from the Literature. New York: College Entrance Examinations Board.
9. Raveaud,Gilles 2001 "Teaching Economics Through Controversies", post-autistic economics newsletter : issue no. 5, March, article 6. http://www.btinternet.com/~pae_news/review/issue6.htm
- 10.Sallyanne Decker, 2006, Interdisciplinary Curriculum Development: the redesign of an Economics module, Investigations in university teaching and learning, vol.4 (1) autumn ISSN5106-1740.
- 11.Smith, A. 2003, Through the Interdisciplinary Looking Glass: The Rhetoric of Curriculum Change. Perspectives 1(6), Retrieved from: <http://www.brookes.ac.uk/schools/humanities/research/perspectives/i1-6/lookingglass.html>
- 12.Smith, Alvin H. F. 2001, "Interdisciplinary Curriculum as Complementary Practice: A Philosophical Perspective." Campbell Monograph Series on Education and Human Sciences 2.
- 13.Susan Drake and Rebecca Burns, 2004, Meeting standards through integrated curriculum, Alexandria, Va.: Association for Supervision and Curriculum Development.
- 14.Weber, Pauline 1978, "Economics in Interdisciplinary Courses", The Journal of Economic Education, Vol. 10, No. 1, Publisher: Heldref Publications, Stable URL: <http://www.jstor.org/stable/1182170>
- 15.Wineburg, Sam, Pam Grossman, eds. 2000, Interdisciplinary Curriculum: Challenges to Implementation. New York: Teachers College Press.